

رویکرد نوین عربستان در نگاه به حزب جمعیت اسلامی و هواداران اصلاحات و همگرایی در افغانستان

فرزاد رمضانی بونش

پژوهشگر مسائل منطقه

شمسه

پس از سرنگونی طالبان در 1380 خورشیدی ریاض دولت نوین در کابل را پذیرفت و در مقابل نیز رهبران افغانستان سفرهایی به ریاض داشتند. در این بین در سالهای گذشته و از آغاز دولت وحدت ملی افغانستان جناح اشرف غنی جایگاه برجسته‌ای برای عربستان در سیاست خارجی خود قائل بود، چنانچه نقش ویژه‌ای برای عربستان سعودی در سیاست خارجی تعریف و جایگاه مناسبی در طرح پنج حلقه‌ای سیاست خارجی اختصاص داد و با سفرهای سیاسی به عربستان، پشتیبانی از حمله عربستان به یمن به روابط بعدی نو بخشید. اما این نوع نگاه مثبت در بین نیمه دوم دولت وحدت ملی به رهبری دکتر عبدالله نسبت به عربستان وجود نداشت. با این حال اخیراً دکتر عبدالله در جریان سفر به عربستان با ملک سلمان بن عبدالعزیز آل سعود پادشاه، شاهزاده محمدنایف معاون اول شورای وزیران شهزاده محمدبن سلمان بن عبدالعزیز و وزیران دیگر دیدار کرد. در واقع هر چند در این سفر نمایندگان دو کشور در مورد تحکیم روابط دوستانه، مبارزه با تروریسم، استحکام صلح و ثبات در افغانستان و منطقه، سرمایه‌گذاری، روابط تجاری، کمک و سرمایه‌گذاری در عرصه آموزش و رسیدگی به مشکلات مهاجران افغانستان مقیم عربستان سعودی گفتگو کردند، اما نوع دیدارها و میزبانی نشان از رویکرد نوین عربستان در افغانستان در نگاه به حزب جمعیت اسلامی و هواداران اصلاحات و همگرایی در افغانستان است. در این نوشتار تلاش می‌شود به مهمترین اهداف عربستان در رویکرد نوین پرداخته شود.

تعامل با مخالفان افغانستانی و بسترسازی برای حضور بیشتر:

از نگاه بیشتر منتقدان افغانستانی از آنجا که مردم افغانستان چند قومی و تعامل مثبتی با همه مذاهب اسلامی داشته و دارای فرهنگ مذهبی ملی بیشتر حنفی و شیعی بوده، نقش عربستان در طول سی سال گذشته در گسترده جغرافیایی افغانستان بیشتر تخریبی و ایدئولوژیک بوده و ریاض در میانجی‌گری، فشار بر طالبان، کمک اقتصادی به دولت و مردم افغانستان و... تلاش گسترده‌ای نکرده است. در همین راستا در یک دهه گذشته بسیاری از احزاب چون ائتلاف ملی افغانستان و همچنین تاجیکها و شیعیان به حضور افزایشی عربستان در افغانستان نگاهی منفی داشته‌اند. اما اینک عربستان با روابط بهتر با مهمترین جناح منتقد خود در بدنه دولت وحدت ملی افغانستان به بسترسازی برای حضور بیشتر می‌اندیشد. در این راستا پس از گذشت دو سال از تشکیل حکومت وحدت ملی، عربستان سعودی تلاش دارد تا با هر دو جناح حاضر در قدرت افغانستان ارتباط داشته و شریکان نوینی در افغانستان به دست آورد.

در واقع در سه دهه گذشته روابط سعودی با جمعیت اسلامی افغانستان و دولت اسلامی استناد ربانی با چالش های بسیاری روبرو بود و ریاض نسبت به این جریان عمده و بزرگ افغانستان همکاری جدی و راهبردی نداشت. در این بین سفر عبدالله به عربستان و استقبال گرم مقامات سعودی نشان از رویکردهای نوین ریاض دارد. در این راستا باید گفت در حالی که در دو دور گذشته انتخابات ریاست جمهوری افغانستان ریاض عملاً از رقیبان دکتر عبدالله پشتیانی میکرد (در جریان جنجال های انتخابات ۲۰۰۹ میان حامد کرزای و دکتر عبدالله، ترکی فیصل اعلام کرده بود رئیس جمهوری حق پشتونها است) و در انتخابات دو سال گذشته نیز ریاض از مهمترین حامیان مالی و سیاسی اشرف غنی بود، اما نخستین بار در چند دهه است که مقامات عربستانی از یک شخصیت غیر نزدیک به پاکستان یا مخالف دعوت کرده و همچنین در اتفاقی نادر، ولیعهد عربستان به استقبال تیم عبدالله به فرودگاه رفت. این تغییر نگرش در شرایطی است که در ماه های گذشته نیز اختلافاتی بین دو تیم اصلی دولت وحدت ملی افغانستان رخ داده است. در این میان به نظر میرسد ریاض در شرایط کنونی تلاش میکند تا از دامنه مخالفت های ریاست اجرایی و تیم وی در دولت با سیاست های عربستان در افغانستان بکاهد و با نفوذ در تمام جریان های قدرت افغانستان همچون گذشته تنها به پشتون ها تکیه نکند. از این منظر کاهش مخالفت منتقدان افغانستان از ریاض می تواند بستری برای حضور بیشتر سیاسی فرهنگی و ایدئولوژیکی عربستان در افغانستان بویژه در بخش های غیر پشتون باشد و همچنین به همگرایی بیشتر این جناح با دوستان ریاض در افغانستان کمک کند.

مهار ایران در داخل و رقابت با قدرت های منطقه ای:

هر چند از نگاه اشرف غنی عربستان در خطوط سیاست خارجی در حلقه دوم (نخست کشور های همسایه، دوم کشورهای اسلامی، سوم کشورهای غربی) قرار دارد اما عربستان به عنوان یکی از کشورهای حامی مالی و سیاسی تیم اشرف غنی امید فراوانی داشت تا فرصت های بیشتری را بدست آورد، اما موانع و دامنه مخالفت ها و چالشهای داخلی و منطقه ای و بین المللی عملاً جایگاه عربستان را در افغانستان افزایش نداده است. این امر در حالی است که از آغاز شکل گیری دولت وحدت ملی و تقسیم قدرت میان عبدالله و غنی، بسیاری عبدالله را متمایل به ایران و هند و تیم اشرف غنی را متمایل به عربستان و امریکا می دانند. در این بین نفوذ رو به افزایش چین و هند در افغانستان در کنار نقش سنتی گذشته ایران و روسیه در افغانستان در شرایطی است که این چهار بازیگر نگاه مثبتی به حضور بیشتر عربستان در افغانستان ندارند. در این میان در وضعیت کنونی رقابت های منطقه ای نیز پادشاه عربستان مخالف شدید نفوذ ایران در افغانستان است. این امر در حالی است که سعودی ها شیعیان، تاجیک ها و حزب جمعیت اسلامی و هواداران اصلاحات همگرایی در افغانستان را نزدیک به تهران می بینند. در این شرایط با توجه به وضعیت کنونی افغانستان حضور و نفوذ بیشتر ریاض در بدنه حزب جمعیت اسلامی و هواداران اصلاحات و همگرایی در افغانستان می تواند جدا از مهار ایران به تقویت حضور امنیتی سیاسی و ژئوپلیتیک آنها در منطقه در مقایسه با دیگر بازیگران منطقه ای و بین المللی کمک کند. در این میان تشدید تنش با تهران در کنار تقویت حوزه نفوذ ایران در منطقه عربی انگیزه های ریاض را در جهت حضور فزاینده در همسایه شرقی ایران و مهار ایران از شرق بیشتر کرده است و تا به نوعی با افزایش کمک های گوناگون سیاسی و اقتصادی خود به دولت افغانستان و گسترش روابط با جناح های آن قدرت ایران را در افغانستان مهار کند. گذشته از این ریاض سعی میکند تا با توجه به

منطقه آسیای مرکزی، افغانستان به مثابه پایگاهی ایدئولوژیکی سیاسی و فرهنگی برای حضور بیشتر در آسیای مرکزی باشد. اما این امر تنها در صورت یاری غیرپشتون های شمال افغانستان و رهبران جمعیت اسلامی و هواداران اصلاحات و همگرایی در افغانستان به دست خواهد آمد.

میانجی گری و حضور سیاسی و ژئوپلیتیک:

عبداله عبدالله در جریان سفر خود به عربستان سعودی تاکید زیادی بر موضوع صلح در کشور داشته است؛ در واقع افغانستان هنوز بر نفوذ سنتی عربستان بر طالبان (نمایندگان پارلمان افغانستان اعلام کرده اند که عربستان سالانه 300 میلیون دلار به طالبان پرداخت می‌کند) اطمینان دارد و معتقد است کلید صلح در دستان رژیم سعودی است. همچنین از نگاه کابل عربستان سعودی شریک استراتژیک پاکستان در منطقه محسوب می‌شود و نفوذ معنوی و سیاسی ریاض بر اسلام‌آباد می‌تواند پاکستان را متقاعد به همکاری در راستای صلح افغانستان کند. در این وضعیت توجه به سخنان ملک سلمان خطاب به طالبان (آنها باید حملات خود علیه دولت افغانستان را متوقف کنند) به نظر میرسد ریاض تلاش میکند تا از یک سو با افزایش نقش در میانجیگری بی طالبان با دولت کابل و نفوذ خویش طالبان را به میز مذاکرات کشاند. در بعد دیگری نیز عربستان می‌تواند بر پاکستان به عنوان بازیگر فعال در افغانستان، اعمال نفوذ و جدا از حل مشکلات دوجانبه اسلام‌آباد و کابل نقش اصلی را در میانجیگری بین دو بازیگر داشته باشد. در همین راستا سلمان بن عبدالعزیز اشاره کرده است کابل و اسلام‌آباد باید برای بحران دیپلماتیک کنونی راه حل پیدا و روابطشان را برای تأمین صلح در افغانستان بهبود بخشند.

گسترش نفوذ فرهنگی و دینی:

در چند دهه گذشته پشتیبانی عربستان از تفکر سلفی گری (سلفی گری میانه رو در مراکز رسمی و دانشگاه ها، مساجد و مدارس مذهبی و رابطه بهتر با مرکز الرابط العالم الاسلامی در جده و یا پشتیبانی نامتوازن از گروههای رادیکال یا سلفی گری از راه سرویس های امنیتی و اطلاعاتی در افغانستان) از مهمترین اهداف عربستان در افغانستان بوده است. در این راستا در وضعیت کنونی ریاض میتواند با تعامل بهتر با مخالفان افغانستانی خود در بدنه دولت افغانستان طرح هایی چون دانشگاه اسلامی بزرگ با هزینه ۵۰۰ ملیون دلاری در ننگرهار، دانشگاه علوم اسلامی در شهر کابل، برگزاری نشست جهانی عالمان دین اسلام برای افغانستان در آینده نزدیک به میزبانی عربستان حضور فزاینده تر فرهنگی در افغانستان داشته باشد .

همکاری های بیشتر اقتصادی با افغانستان و تقویت حضور اقتصادی

عربستان در گذشته با بستن معاهده استراتژیک با دولت افغانستان (با محور های اقتصادی، امنیتی و سیاسی) برای احیای نقش گذشته خود در افغانستان کوشیده است، اما در وضعیت کنونی از یک سو با توجه بیشتر به بخش های تجارت، اقتصاد، سرمایه گذاری، فرهنگی، سرمایه گذاری در افغانستان، افزایش تعداد بورسیه ها، حل مشکل اقامت مهاجران در عربستان، میزبان کنفرانس کمک به آبادانی و عمران افغانستان، برگزاری کنفرانس بین المللی پیگیری کنفرانس بروکسل در سال 2018، بررسی سرمایه گذاری بیشتر در افغانستان و... از دامنه انتقادات آنها در مورد کم توجهی ریاض به بازسازی افغانستان بکاهد و در بعد دیگری با بهتر شدن روابط ریاض با عمده ترین جناح مخالف خود در افغانستان از بستر گسترش حضور اقتصادی خود منافع و امتیازهای سیاسی و ژئوپلتیکی بیشتری را طلب کند.